

مثنوی قونیه و مثنوی چاپ علاءالدوله

نشر و پخش «مثنوی معنوی» نسخه خطی قونیه «موزه مولانا» که تاریخ کتابت آن ۶۷۷ هجری قمری است گامی سودمند از سوی «مرکز نشر دانشگاهی» به سال ۱۳۷۱ بود. نسخه عکسی را فراهم آوردیم و به بازنویسی دقیق آن پرداختیم و ناشری آزاده و نجیب به حروف چینی آن پرداخت در بیش از هزار و اندی صفحه، ضروری دانستیم که آن متن آماده را با نسخه چاپی پر آوازه «نیکلسون» بسنجیم، کار به اسفند ۱۳۷۲ پایان پذیرفت.

نام و آوازه «مثنوی معنوی مولوی» چاپ علاءالدوله، که مرجع بسیاری از استادان دانشمندان نسل پیشین ما بود، بر آنم داشت، نظری بدان بیفکنیم. نگرستن به صفحه عنوان آن مثنوی نامدار مایه شگفتی من شد. اینک آن متن را می آورم تا خوانندگان پژوهنده به آن نکته «شگفتی آور» باز نگرند!

«هو الله تعالی شانه العزیز و جلت عزته قطب العرفاء مرحوم مغفور حاجی زین العابدین شیروانی - رحمه الله - در ایام سیاحت خود شهر قونیه از بلاد روم رفته و از کتابی که روی قبر مرحوم مغفور جلال الدین محمد رومی - قدس الله سره العزیز - ملاحظه فرمود شرح حال آن مرحوم در آنجا ثبت بود. از آن کتاب استنساخ فرمود بشیراز بردند و بخط خوش نوشته به یک جلدی از مثنوی ضم گردید. مقرب الخاقان معتمد السلطان آقا میرزا محمد طاهر کاشانی - مستوفی دیوان همایون اعلی - هنگامی که کشف الایات از برای مثنوی مینوشتند این نسخه را بدست آوردند چون مرحوم حاجی زین العابدین مطلب را که قلمی فرموده چندان در قید عبارات نبودند بدین جهت همان نسخه را جناب علام ادیب الدهر فصیح العصر آقا میرزا فرج الله کاشانی - سلمه الله - بعبارت مطبوع تحریر فرمود، در این اوراق بدرجه طبع رسید».

پیداست که در این عبارت ها سخنی از مقابله نسخه چاپ علاءالدوله با «مثنوی معنوی» خطی قونیه نیست، ولی بررسی متن چاپ علاءالدوله با مثنوی موزه مولانا و سنجش دقیق ابیات آن با نسخه به اصطلاح «اساس» گویای «شگفتی» من است. درست بیش از ۱۲۰ فقره از بیت های چاپ «علاءالدوله» در دفتر اوک همانند و همسان با نسخه «اساس» است؛ و گاه این مقابله چندان دقیق است که ضبط متن چاپ علاءالدوله به نشانه ای مشخص، صورت همانند متن و اساس را در حاشیه باز می گوید:

- نسخه چاپ علاءالدوله - المجلد الاوک - در ص ۹، باز بیتی از نسخه اساس را در حاشیه می آورد که برابر بیت ۳۲۶، عیسی است:

عهد عیسی بود و نوبت آن او
جان موسی او و موسی جان او
پس از بیت ۷۲۵ نسخه عکسی اساس، چاپ علاءالدوله، بیتی الحاقی می آورد، ولی در حاشیه صورت منطقی و درست توالی ابیات را، بیت نسخه اساس را باز می گوید:

نار خندان باغ را خندان کند
صحبت مردانت از مردان کند
- بیت ۹۷۱ نسخه عکسی اساس را، پاک به گونه ای دیگر می آورد - ص ۲۶ - المجلد الاوک - چاپ علاءالدوله:
گفتش ای شاه جهان بی زوال
فهم کز کرد و نمود او را خیال

- صورت اصلاحی بیت که درست همانند نسخه عکسی اساس است، پاک دیگرگون است:
من ورا از خشم کی کردم نظر
از تعجب دیدمش در رهگذر

- بیت ۱۵۰۵ اساس ما که برابر بیت ۱۵ صفحه ۴۰ - المجلد الاوک - علاءالدوله است چنین آمده:
زان پشیمانی که لرزانیدیش
چون پشیمان نیست مرد مرعش

در درون جدول، صورت اصلاحی همانند اساس ما به درستی نقل می شود:



مرتضی راکعی پشیمان دیدیش
 باز در بیت ۱۵۱۴ نسخه عکسی اساس، برابر صفحه ۴۰ چاپ علاءالدوله آمده است:
 زانکه بینای که نورش بازغ است
 از عصا و از عصاکش فارغ است
 نیز در بیت ۲۳۳۷، که پس از آن بیتی افتاده، آن را از نسخه اساس در حاشیه می آورد، برابر ص ۶۲ - مجلد الاوکل - چاپ علاءالدوله:

همچو گرگ غافل اندر ما مچه
 ای ز ننگ عقل تو بی عقل به
 - یا در بیت ۲۷۵۴ - نسخه عکس اساس - برابر ص ۷۲ - المجلد الاوکل - مثنوی چاپ علاءالدوله:
 اهل صورت چون جواهر یافته
 اهل معنی بحر نادر یافته
 - در حاشیه با شماره بیت ۲۴، بسان صورت اساس ما اصلاح کرده است بیت را:
 اهل صورت در جواهر یافته
 اهل معنی بحر معنی یافته
 - باز بیت ۳۳۸۳ - بر حسب شمار من در نسخه عکسی اساس - برابر صفحه ۸۸ - المجلد الاوکل - مثنوی چاپ علاءالدوله آمده است:

این جوابات قیاسی راست کرد
 عکس آن واقع شد ای آزاد مرد
 - در حاشیه، صورت درست و همسان نسخه عکسی اساس را می آورد در مصراع دوم:
 پیش آن رنجور شد آن نیک مرد

 - در صفحه ۹۳ - المجلد الاوکل - بیت ۳۶۳۶، متن چاپ علاءالدوله چنین است:
 کرد در انگشت خود انگشتی
 رفت اندیشه و گمانش یکسری
 - در بیرون جدول، صورت درست «اساس» را با نشانه شماره سطر ۱۶، به صورت اساس آورده:
 جمع آمد لشکر دیو و پری

 نگاه کنید به ص ۸۳ چاپ عکسی.



من اینک شماره های بیت های اساس را بر مبنای نسخه عکسی - که با دریغ، بی شماره بیت چاپ شده، به اعتبار دو سه چایی که اینکه از نسخه قونیه در بازار کتاب است می آورم و چنانکه یاد کردم شمار بیت ها افزون بر ۱۲۰ است.

*** بیت های همسان و همانند نسخه عکسی قونیه در چاپ علاءالدوله**

- ب ۱۳۷ / ۱۸۶ ب ۲۷۰ ب ۳۲۶ ب ۴۵۲ ب ۹۰۵ ب ۹۶۱ ب ۹۹۵ ب ۱۰۱۹ ب ۱۱۶۸ ب ۱۱۹۱
- ب ۱۲۰۷ ب ۱۲۴۵ ب ۱۳۳۷ ب ۱۳۵۳ ب ۱۳۶۳ ب ۱۴۷۸ ب ۱۵۰۵ ب ۱۵۰۷ ب ۱۵۱۴ ب ۱۵۳۸
- ب ۱۶۰۳ ب ۱۶۰۸ ب ۱۶۳۰ ب ۱۶۴۷ ب ۱۶۶۰ ب ۱۷۰۰ ب ۱۷۶۱ ب ۱۷۷۶ ب ۱۹۶۶ ب ۱۹۸۸
- ب ۱۰۹۵ ب ۲۱۰۳ ب ۲۱۴۱ ب ۲۱۹۴ ب ۲۲۱۷ ب ۲۲۳۱ ب ۲۲۵۵ ب ۲۳۳۹ ب ۲۳۵۱ ب ۲۳۷۷
- ب ۲۴۳۶ ب ۲۴۶۵ ب ۲۵۱۴ ب ۲۵۳۸ ب ۲۵۶۱ ب ۲۵۷۰ ب ۲۶۲۴ ب ۲۷۰۰ ب ۲۷۰۳ ب ۲۷۱۵
- ب ۲۷۳۲ ب ۲۷۴۱ ب ۲۷۷۰ ب ۲۷۸۳ ب ۲۸۳۲ ب ۲۸۹۱ ب ۲۹۴۴ ب ۲۹۷۳ ب ۳۰۳۳ ب ۳۱۴۹
- ب ۳۱۶۱ ب ۳۱۹۳ ب ۳۲۲۴ ب ۳۲۲۸ ب ۳۲۳۳ ب ۳۲۵۶ ب ۳۳۹۹ ب ۳۴۱۶ ب ۳۴۴۱ ب ۳۴۵۲
- ب ۳۴۷۷ ب ۳۴۸۴ ب ۳۴۹۳ ب ۳۴۹۹ ب ۳۵۱۴ ب ۳۵۱۸ ب ۳۵۳۲ ب ۳۵۴۰ ب ۳۵۶۸ ب ۳۵۷۱
- ب ۳۶۳۶ ب ۳۶۴۴ ب ۳۷۷۳ ب ۳۷۸۷ ب ۳۷۹۰ ب ۳۸۵۱ ب ۳۸۷۵ ب ۳۹۵۲ ب ۳۹۵۹.



نکته‌ای گفتنی آن است که کتابخوانان و مثنوی دوستان ما از دیرباز با نام «علاءالدوله» آشنا هستند، اما گمان من بر این است که بسیار کسان چون من بر این پندار باشند که او مردی صوفی صافی ضمیر، و یا مردی دانشور و ادیب بوده که به بذل سرمایه‌ای، اهتمامی چنین شایسته ورزیده است و یادگاری چنین ارجمند از خود به جای نهاده است، و خدایم داند، چه بسا که چنین بوده باشد، ولی اشاره‌ای کوتاه به زندگی او گویای مناصب و مراتب او در عصر قاجاری است که نشان از فضل و فضیلت او ندارد.

«محمد رحیم خان علاءالدوله... از بزرگان قاجار دولو بوده که پس از مرگ برادر بزرگتر خود حسن خان که نسقچی باشی بود، نسقچی باشی یعنی رئیس میر غضبها شد... پدران او، مأمور کشتن شاه طهماسب دویم و شاه عباس سوم (طفل ۸ ساله)... و سلیمان میرزا کودک خردسال دیگر شاه طهماسب شده (اند)... و به همین مناسبت در میان عوام الناس معروف شده است که خنجر شمر در خانه علاءالدوله است... (وی) با حفظ سمت به حکومت خوی منصوب... گردید... و در سال ۱۲۷۸ ق. ملقب به «علاءالدوله» شد... (سپس) محمد رحیم خان علاءالدوله بسمت بیگلربیگی تهران منصوب شد و ریاست قورخانه به وی محول گردید... در سفر ناصرالدین شاه به اروپا علاوه بر سمت کشیکچی باشی گری موقتاً به ریاست تشریفات و وزارت دربار نیز معرفی گردید و به همراه شاه او هم عازم اروپا شد... ناصرالدین شاه در اوائل سال ۱۲۹۲ ق. وزارت درباری به نام «وزارت دربار اعظم...» تشکیل داد و علاءالدوله را به سمت وزیر دربار اعظم برگزید...»

علاءالدوله معلومات و اطلاعات چندانی نداشت. شگرد او همان شدت عمل قره نوکری، فراشباشی گری و میر غضبی بوده است.

کار خوب علاءالدوله چاپ مثنوی است که به دستور او در سال ۱۲۹۹ ق. به طبع رسیده، و امروزه معروف به «مثنوی چاپ علاءالدوله» می‌باشد...^۱

محمد روشن

۱. نقل به اختصار از: تاریخ رجال ایران: قرون ۱۲-۱۳-۱۴، تألیف شادروان مهدی بامداد، تهران: زوار، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۳۹۷-۴۰۱.

بسم الله الرحمن الرحيم
 نغالی شاندر العزیز
 وحلیت عزیز
 مقصد
 الف
 مرحوم مغفور
 حاجی نیر العابدین
 شریفی رحمة الله علیه
 خونی کشته قوی بیاد و بیاد
 و زکاتی کز حق غیر مرحوم مغفور
 محارومی قدر الله علیه
 شرح حال از خودی
 شریفی زدی و خط خوش
 مفرط الخافیه
 مشغولی مینویسند
 مرحوم حاجی نیر
 چند روز قبل عیاش
 جهت همان شرح
 اللهم فضیحه العصر
 الف
 کاشانه
 حمد لله تعالی
 مطبوعه مخبر و مؤلف
 نیر افشار
 طبع تبریز



جهان را بهین است آید و میان	بگردد هم از این روز و زمان	سرای سچت یاد کرد و درخ	تو بارخ او آواز و جوی
ازین کار که حسرت و اندوه کبر	جهان را کمن دلق و غمناک کبر	سوی کی و بکنای کواک	خیز دست تو شده بر سر
جنت است کار جهان جیمان	جهانست ازین خاندن جیمان	خبر بود تا بود کار جهان	کافه کدند نامش جیمان
ندد ز کما زندی و کما کونک	بیزد کما خرنید جور ک	دل ز کما عده نغی سخن	نقاب ازین کما کانه کین
جویری درازد نماند مرد	جویش کند بازه سال خود	برداغند فرازه آرزو بد	کافرانند کوه روز پایند
کواکبش نیست و بالا بلند	کدانه او را جوهر کما	کواکبش بود و بالا تر نیست	بکوان بود چون شونم
جویدل خود مرد کرد	جوید و جوید کرد ذاه و شر	جویمان زرد شادمانه شود	ببخار چون تابانده شود



ایمان که هر تو آید بیاید
 روز بسته زاده تو باقی شد
 زین استان خواجه زین استان
 نکانه کردار آن استان
 تمام شد جمله اول ارشاد نامه پیروزی و جری
 روز سه شنبه سیم ماه مبارک محرم سال شصت و هجده

بسم الله الرحمن الرحیم
 و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

الحمد لله العبد المحتاج
 الله اعلم
 محمد سار محرم
 کمالی امام باشد در سن بود
 اول کمالی امام بود در سن بود
 کمالی امام
 کمالی امام
 کمالی امام
 کمالی امام
 کمالی امام

انجامه نسخه «شاهنامه» مورخ ۶۱۴ هـ. (کتابخانه ملی فلورانس، CI. 111-24) (عکس از روی نسخه اصل به لطف آیدین آغداشلو).

